

تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی منطقه سیستان

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵

از صفحه ۱۵۹ تا ۱۷۶

امیرحمزه سالارزائی^۱، راحله پودینه‌پیر^۲، مهدی پودینه‌پیر^۳

چکیده

جرائم خشونت‌آمیز به جرائمی گفته می‌شود که با زور یا تهدید علیه دیگران همراه است، مانند جنایت، تجاوز، غارتگری، یورش و غیره. هدف این پژوهش تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی سیستان است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری آن شامل روستاهای منطقه سیستان است که از ۱۰۰ روستا به طور تصادفی، ۴۰ روستای نمونه انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و سیستم اطلاعات جغرافیایی^۴ بوده و برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره آلفای کرونباخ با دامنه ۰ تا ۱ استفاده شده که میزان آن ۰/۷۱۴ است. شاخص‌ها در ۴۰ روستای نمونه که ۲۰ روستا در فاصله ۵-۰ کیلومتری از پاسگاه و با دسترسی بالا و ۲۰ روستا در فاصله ۲۵ کیلومتری از پاسگاه و با دسترسی کم مورد ارزیابی قرار گرفته است. براساس مقدار KMO (۰/۸۴۷) و نتایج آزمون بارلت، داده‌ها برای آزمون تحلیل عاملی مناسب بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد میزان گذراندن اوقات فراغت سالم با ۰/۳۳۸ مؤثرترین عامل در وقوع جرائم خشونت‌آمیز در مناطق روستایی سیستان است. نتایج بیانگر این است که هر چه فاصله روستا از پاسگاه کم باشد، امنیت بالا و میزان وقوع جرم کاهش می‌یابد و روستاهایی که در فاصله دورتری از پاسگاه قرار دارند، امنیت پایین و میزان وقوع جرم در آن‌ها افزایش می‌یابد.

کلید واژه‌ها: تحلیل جغرافیایی، جرائم خشونت‌آمیز، امنیت، مناطق روستایی، سیستان.

استناد: سالارزائی، امیرحمزه؛ پودینه‌پیر، راحله و پودینه‌پیر، مهدی (زمستان ۱۳۹۷). تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی منطقه سیستان. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جغایی. ۱۳ (۵۲)، صص ۱۷۶-۱۵۹.

۱. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه زاهدان، amir_hsalar@theo.usb.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل، نویسنده مسئول: Rahele.poudineh@uoz.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه زاهدان، mahdipoudineh.1781@yahoo.com

مقدمه

در منطقه سیستان، مسائل اقتصادی از جمله نرخ بالای بیکاری نسبت به میانگین کشوری باعث بروز آشفتگی‌های خلقی شده که در نهایت، افراد را وادار به بروز انواع جرائم خشونت‌آمیز می‌کند. بیکاری از جمله مقولات اساسی اقتصاد جهانی است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم توسعه‌یافتگی تلقی می‌شود. یکی از دغدغه‌های اساسی برنامه‌های توسعه در کشور، تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم مدنظر بوده و اگر درمان نشود، ابعاد اجتماعی وسیعی خواهد داشت. رشد بالای جمعیت در اوایل دهه ۶۰، باعث افزایش بیش از پیش جمعیت جوان و جویای کار به ویژه میان اقشار تحصیل کرده و دانشگاهی و سبب اتلاف منابع عظیم انسانی و رنج و فقر تعداد کثیری از جمعیت کشور در سال‌های اخیر شده است. بیکاری، به شکل یکی از دشواری‌های عمده زمان ما درآمده است. برای کشورهای در حال توسعه که اکثریت عظیم نیروی کارگری جهان در آن‌ها زندگی می‌کنند، مسائل حل‌ناشدنی اشتغال که سال‌ها با آن دست به گریبان بوده‌اند، باز هم پیچیده‌تر شده است (دهمرد، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

از مهم‌ترین دلایل کاهش امنیت در نواحی روستایی در سال‌های اخیر می‌توان به کاهش مشارکت مردم در برقراری امنیت از جمله حذف نگهبان محلی و در مقابل نبود یا کمبود پاسگاه‌های انتظامی برای برقراری نظم امنیتی جدید بوده است. جرائم خشونت‌آمیز معمولاً در محیط‌های روستایی نه تنها با اصول مسلم این نظام اجتماعی تعارض دارد، بلکه ضایعات سنگینی از جمله رنج انسان‌ها، به هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی روستاییان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به همراه می‌آورد. عدم امنیت در روستاها و فاصله آن‌ها از شهرها و از طرفی بیکاری زیاد در منطقه سیستان به دنبال خشکسالی‌های چند سال اخیر، یکی از عوامل مهم افزایش جرم و جنایت در روستاها بوده است. در تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی منطقه سیستان، همیشه و همواره بررسی آسیب‌ها، علل و راهکارهای کاهش مشکلات از اولویت‌های مهمی است که مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع باید گفت، آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه راهکارها یکی از بخش‌های مهمی است که در تدوین برنامه‌های استراتژیک توسعه مورد توجه است. بنابراین، لازم است برای افزایش مشارکت مردم در ایجاد امنیت و از بین بردن ناامنی، روش‌هایی که روستاییان استقبال بیشتری می‌کنند،

بررسی کرده تا بتوان الگویی جهت تدوین برنامه صحیح و متناسب باشند. با توجه به مسائل و مشکلات مطرح شده و رسیدن به اهداف تحقیق، سؤال‌های پیش رو به این شرح است: روستائیان منطقه مورد مطالعه در ایجاد امنیت و کاهش جرائم خشونت‌آمیز، بیشتر از کدام روش‌ها و الگوها در روستای خود استفاده می‌کنند؟ و گزینش هر یک از روش‌ها و الگوها برای کاهش جرائم خشونت‌آمیز توسط روستائیان منطقه مورد مطالعه، چه رابطه‌ای با ویژگی‌های جغرافیایی روستاهای محل سکونت ایشان دارد؟

تاکنون مطالعه‌ای درباره اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی و راهکارهای مقابله با آن صورت نگرفته است و بیشتر مطالعات به بررسی جرم و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که خلاصه‌ای از نتایج تعدادی از تحقیقات در این حوزه آورده شده است. قاسمی روشن (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و جرم»، نشان می‌دهد که جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، دارای ابعاد مختلفی است و عوامل متعددی می‌تواند در پیدایش آن نقش داشته باشد و به همین دلیل، تغییر و تحول پدیده‌های اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد. بنابراین، اگر محیط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در میزان جرم تأثیر مستقیم دارد، به صرف تشدید مجازات برای مجرمان یا برخورد شدید نیروهای انتظامی با آن‌ها یا ایجاد رفاه اقتصادی و بالا بردن سطح معیشت زندگی، نمی‌توان از بروز جرائم در یک کشور جلوگیری کرد، بلکه پیشگیری از ارتکاب جرائم افراد، تلاش همه جانبه‌ای را در تمامی ابعاد طلب می‌کند تا بتوان در این زمینه، به موفقیت‌هایی دست یافت.

احسانی (۱۳۸۷)، به بررسی نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که پلیس به عنوان بخشی از جامعه می‌تواند با هدایت شهروندان از وقوع جرم پیشگیری کند. در این راستا، نقش سیاست‌گذاران و متخصصان را در کاهش احتمال وقوع جرم از طریق ایجاد محیط‌هایی امن نمی‌توان نادیده گرفت. رویکرد پلیس جامعه محور، حل مسئله را از طریق همکاری تنگاتنگ با مردم، اساس پیشگیری از وقوع جرم می‌داند. طراحی محیطی براساس این نظریه استوار است که با انجام تغییرات محیطی می‌توان در بروز رفتارهای مجرمان و بزهکاران تأثیر بسزایی گذاشت. در حقیقت، پیش‌بینی، تشخیص و درک احتمال وقوع جرم، اقدام‌هایی مناسب برای از بین بردن خطر وقوع جرم است. از طرف دیگر، امن‌سازی محیط جرم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشگیری از جرم را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که این مؤلفه به طور

مستقیم در ایجاد امنیت ذهنی اجتماع و به طور غیرمستقیم در تأمین امنیت عینی اجتماع تأثیر می‌گذارد. در واقع، محیط جرم مساوی است با امنیت اجتماعی عینی و ذهنی.

محسنی تبریزی و کریمی (۱۳۸۶)، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرائم خشونت‌آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل عدم موفقیت تحصیلی، خشونت در خانواده، از هم گسیختگی خانوادگی، بزهکاری والدین، یادگیری جرائم از طریق رسانه‌ها، داشتن دوستان ناباب، نحوه گذراندن اوقات فراغت و ولنگاری پدر مجرمان به عنوان عوامل اجتماعی بر خشونت جوانان همدانی تأثیر دارند. بزی و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی ارتباط اسکان غیررسمی با افتراغ مکانی در افزایش میزان جرم و امنیت اجتماعی شهر بوشهر پرداختند. نتایج مطالعات نشان داد که عواملی چون وضعیت مالی ضعیف، وضعیت بد مسکن، محل زندگی، نبود شغل مناسب، گرایش افراد به مشاغل کاذب و همچنین پایین بودن درآمد که همگی تصویری از سیمای اسکان غیررسمی شهرهاست، زمینه را برای ارتکاب جرم‌هایی نظیر سرقت، قاچاق و کسب درآمد از راه نامشروع فراهم می‌کند و آنجا را کانون جرائم و آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد. از نظر افتراق مکانی نیز محله‌های حاشیه‌نشین منطبق بر مناطق پیرامون شهر است که نیاز به طرح‌های توانمندسازی دارند.

نکته مهمی که در رابطه با این پژوهش‌ها می‌توان به آن اشاره کرد، آن است که تمامی این پژوهش‌ها بیشتر به ابعاد نظری پرداخته‌اند و براساس اصول کلی به تشریح حقوقی جرائم و مشکلات موجود نظر داشته‌اند ولی در این مقاله، بررسی‌ها به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه صورت پذیرفته است تا از این طریق بتوان یافته‌هایی را کسب کرد که با واقع امر روایی بیشتری داشته باشد.

مشارکت‌دهی‌ها در تهیه نقشه و شناسایی دقیق مناطق جرم‌زا برای مشاوران و برنامه‌ریزان کالبدی روستاها در کیفی‌سازی طرح‌های هادی روستایی، برای افزایش نرخ احساس امنیت برای کسب و کار و تولید روستایی نقش حیاتی دارد. با توجه به انواع مختلف جرائمی که امنیت را در روستاها به خطر می‌اندازد، در این پژوهش این مبانی از سه جهت (جرم، بزهکاری و کانون‌های جرم خیز) مورد بررسی قرار گرفته است. طرز تلقی گذشته جرم‌شناسان طی چند دهه گذشته و در نسبت دادن جرائم به عوامل فردی موجب شد تا نگرشی یک‌سویه نسبت به عوامل جرم‌زا پدید آید، هر چند در مطالعات

نویسنده جرم‌شناسان محیطی این نگرش تصحیح شده است. در دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، برخی محیط‌ها، فرصت‌های بزهکاری بیشتری نسبت به محیط‌های دیگر ایجاد می‌کنند. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های جرم‌شناسی بر پیشگیری وضعی بزهکاری متمرکز شده است که بر مقابله با بزهکاری از طریق کاهش فرصت‌ها تأکید دارد. بررسی‌های مکانی محل وقوع بزهکاری نشان می‌دهد، بزهکاران در ارتکاب عمل مجرمانه خود اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی می‌زنند و به دنبال محیط‌هایی برای بزهکاری هستند که ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط برای ارتکاب بزه داشته باشد، بنابراین با شناسایی ویژگی‌های مکانی به وجود آورنده یا تسهیل‌کننده فرصت‌های بزهکاری می‌توان این شرایط را تغییر داد و فضاهای مقاوم در برابر بزهکاری خلق کرد و بدین طریق، میزان ناهنجاری‌های شهری را کاهش داد (تیلور و هارل^۱، ۱۹۸۶، ص ۱). بی‌نظمی‌های کالبدی و به هم ریختگی‌های فیزیکی مثل محله‌های کثیف، ساختمان‌های مخروبه، دیوارهای ترک‌خورده و پنجره‌های شکسته باعث جذب مجرمان و اعمال غیرقانونی آن‌ها می‌شود.

ویلسون و کیلینگ، صاحبان نظریه پنجره‌های شکسته معتقدند محله‌هایی که در آن‌ها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی وجود دارد، حاکی از آن است که ساکنان آن احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار کشیده‌اند. این شاخص می‌تواند زمینه ایجاد جرم را فراهم کند و نشانه آن باشد که ساکنان، علاقه‌ای به مواجهه با جرم ندارند (ویلسون و کیلینگ^۲، ۱۹۸۲، ص ۲۱۰). مطابق رویکرد فعالیت روزمره نیز افراد در حین انجام فعالیت‌های روزانه، فرصت‌هایی را برای ارتکاب جرم پدید می‌آورند. این رویکرد در سال ۱۹۷۹ توسط کوهن و فلسون برای تبیین جرائم سرقت و غارتگری مطرح شد. عده دیگری از صاحب‌نظران، به هم ریختگی فضایی و نبود انسجام اجتماعی را عامل اصلی شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز دانسته‌اند. از جمله «اسکوگان» و «ماکسی فیلد» اظهار داشتند شرایط محیطی چون وجود ساختمان‌های متروک و خالی از سکنه، مخروبه‌ها و در کنار آن، وجود کجروی‌های اجتماعی چون نزاع و شرارت و اشکال مختلف خشونت یا مصرف مواد مخدر و مشروبات و ولگردی باعث افزایش نا

1. Taylor and Harel

2. Wilson and Killing

امنی و همچنین تشویق و ترغیب افراد به بزهکاری بیشتر در این محدوده‌ها می‌شود (شرمن^۱، ۱۹۸۹، ص ۲۲۱).

فهم آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بیش از هر چیز در گروی آن است که به بیان و تعریف اصطلاحاتی پرداخته شود که قرار است به آن استناد شود؛ زیرا زمانی امکان مقایسه بین یافته‌های نظری مقدور می‌شود که زبان گفتار در مورد آن مطالب به صورت یکسان قابل فهم باشد، لذا در ادامه، برخی از مهم‌ترین واژگان بیان می‌شود. جرم: در ادبیات حقوقی و مطابق با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود. در یکی از فرهنگ‌های معاصر حقوقی نیز چنین تعریف شده است: (جرم مساوی است با تازی) ترک فعل یا ترک مخالف نهی الزامی قانونگذار که در آن کیفر مترتب شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳۶).

پیشگیری: واژه پیشگیری در فرهنگ‌ها به معنای «جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن از پیش و جلو بستن» آمده است و یک مفهوم کلی است که به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور تحمیل شده بر فرد یا گروه، به عمل می‌آید، مانند پیشگیری از بزهکاری جوانان، پیشگیری از حوادث جاده‌ای، پیشگیری از حوادث کار و غیره. از دیدگاه علمی، منظور از پیشگیری، هرگونه فعالیت اجتماعی، سیاسی و جنایی است برای محدود کردن امکان پیش آمدن مجموعه اعمال مجرمانه، دشوار ساختن، غیرممکن کردن و پایین آوردن احتمال وقوع جرم، بدون اینکه به کیفر یا جزای آن متوسل شوند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

امنیت: امنیت پدیده‌ای چندبعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر است. مهم‌ترین مأموریت و وظیفه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از استقرار امنیت اجتماعی در کشور. بررسی تاریخی عملکرد سازمان پلیس در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که سازمان‌های پلیسی در حوزه برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین وظیفه خود، رویکردهای مختلفی را اتخاذ می‌کنند. در واقع، نوع رویکرد پلیس در اجرای

1.Sherman

مأموریت تأمین و برقراری نظم و امنیت در جامعه را می‌توان تدابیر اتخاذ شده آن سازمان در انجام مهم‌ترین وظیفه و مأموریت خود دانست. رویکرد اقتدارگرایی، رویکرد حل مسئله، رویکرد مشارکتی و رویکرد جامعه محوری اشاره به نوع نگاه سازمان پلیس و دورنمای تدابیر این سازمان در اجرای این قانون و تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی در جامعه دارد. از جهت نوع تعامل سازمان پلیس با مردم، می‌توان رویکرد اقتدارگرایی این سازمان را در مقابل رویکرد جامعه محوری آن قرار داد؛ چراکه اولاً در رویکرد اقتدارگرایی به طور سنتی بر استفاده از ابزارهای سرکوب به عنوان یگانه وسیله تأمین نظم و امنیت در جامعه تأکید شده و هیچگونه نقش قابل توجهی برای مردم در تولید و حفظ نظم و امنیت در نظر گرفته نمی‌شود؛ در حالی که در رویکرد جامعه محوری در کنار استفاده معقول و مناسب از ضمانت اجراهای قانونی، از خود افراد و گروه‌های مختلف مردم به عنوان تابعان قانون، در جهت اجرای قانون و برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی استفاده می‌شود. ثانیاً در حالی که اتخاذ رویکرد اقتدارگرایی باعث فاصله گرفتن پلیس از مردم می‌شود، در مقابل، اتخاذ رویکرد جامعه محوری موجب تعامل و نزدیکی پلیس با مردم می‌شود. اتخاذ تدابیر جامعه محوری از سوی سازمان پلیس حول دو محور اساسی استوار است؛ از یک سو چون خاستگاه اصلی پلیس از مردم است، پس سازمان پلیس باید برای مردم و در خدمت آن‌ها باشد و «پلیس برای مردم است و چون از مردم است». از سوی دیگر، بر این امر تأکید می‌شود که برای آنکه پلیس بتواند برای مردم و در خدمت آن‌ها باشد، لازم‌ه‌اش آن است که پلیس جدای از جامعه و منزوی از آن نبوده، بلکه در بطن و درون جامعه باشد؛ «در میان مردم بودن تا برای مردم بودن». این با مردم بودن و برای مردم بودن دارای آثار مثبت و فوائد فراوانی هم برای جامعه و هم برای سازمان پلیس است. با اتخاذ تدابیر جامعه محوری از سوی سازمان پلیس، ضمن تداوم و قوام نظم عمومی و امنیت اجتماعی، در جهت دستیابی به نظم عمومی و امنیت اجتماعی پایدار در جامعه، نسبت به سازمان پلیس نیز اعتماد عمومی جلب شده و بنابراین سطح مشارکت اجتماعی مردم نسبت به برنامه‌های این سازمان افزایش می‌یابد.

امنیت دارای ابعاد سیاسی و حکومتی بوده و به شدت آمیخته با مقوله اساسی قدرت است و در مطالعات و بررسی‌های راهبردی در ذیل امنیت ملی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد کرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. در میان

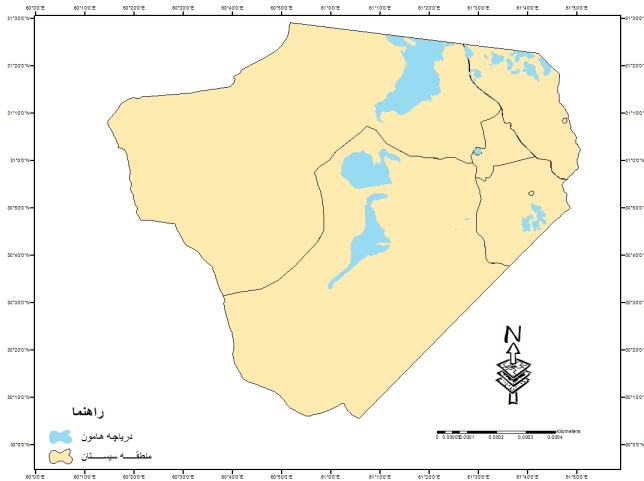
نظریه پردازان امور امنیتی، «ویور» امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتی‌اش را می‌طلبد (نویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۶۲). بر این اساس، امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند و غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌شود. امنیت اجتماعی به عنوان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نوع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسان‌هاست. بدون شک، هیچ عنصری برای پیشرفت و توسعه یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست. امنیت دارای دو معنای ایجابی (یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان) و سلبی (یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید) است. رویکردهای دولت محور به امنیت اجتماعی - ریشه در رهیافت‌ها باز دارند - تأکیدشان بر تأثیر حکومت و کارآمدی نهادهای آن در ایجاد امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که نهادهای مختلف تحت مدیریت دولت همچون مدرسه، در صورت کارآیی می‌توانند نقش خود را در جامعه‌پذیری مناسب افراد و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ایفا کنند. در نتیجه، از تعداد افرادی که دست به جرم و جنایت و قانون‌شکنی می‌زنند، کاسته شده و احساس امنیت شهروندان نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، نهادهایی همچون پلیس، دادگاه، زندان و غیره که برای کنترل بیرونی در جامعه طراحی شده‌اند، در صورتی که کار خود را به درستی انجام ندهند، مجرمان، بهتر می‌توانند دست به اعمال خلاف قانون بزنند و از این طریق، موجب ناامنی سایر شهروندان شوند. علاوه بر وجه ناکارآمدی نهادهای نظم و قانون در جوامع که می‌تواند منجر به کنترل ضعیف مجرمان شود، این نهادهای دولتی از بعد دیگری نیز می‌توانند موجد ناامنی باشند. اگر این نهادها به سوءاستفاده از قدرت واگذار شده به آن‌ها بپردازند، به صورتی اثباتی و مستقیم، خود موجب احساس ناامنی در شهروندان می‌شوند (رجبی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۴). حال این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی سیستان را کاهش داد تا بتوان امنیت پایدار را در مناطق روستایی این منطقه ایجاد کرد.

منطقه سیستان با مساحت ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع در محدوده جغرافیایی بین ۳۰ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی و ۶۰ درجه و ۱۵ دقیقه تا

۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول جغرافیایی در جنوب شرقی ایران و در شمالی‌ترین قسمت استان سیستان و بلوچستان واقع شده که حدود ۸/۱ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است (سالاری سردری و کیانی، ۱۳۸۸، ص ۳). این نقطه، از شمال به مرز افغانستان و جنوب خراسان جنوبی، از شرق به مرز ایران و افغانستان، از شمال غرب به خراسان جنوبی و از غرب به استان کرمان محدود می‌شود (سهرابی و شیرزادی گیلانی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۳).

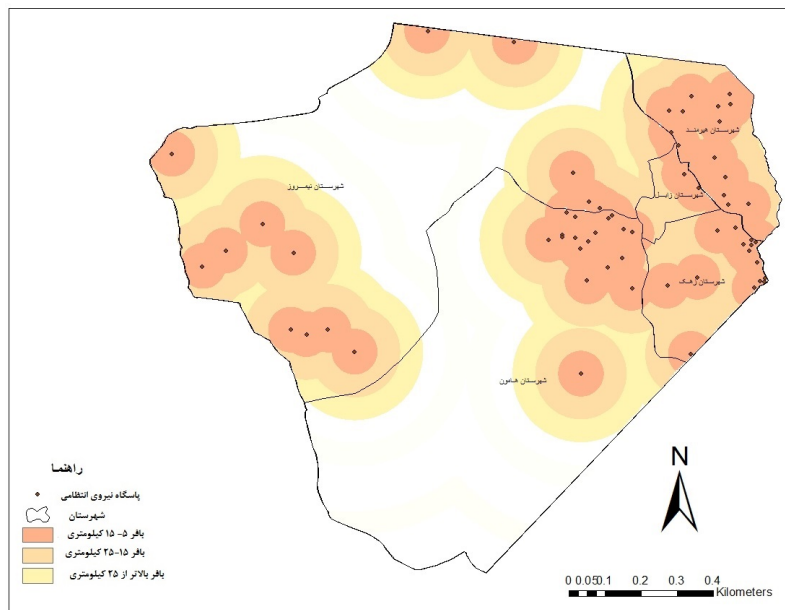
روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های توصیفی - تحلیلی و نیز روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. در این پژوهش، مرحله اول گردآوری اطلاعات با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی در روستاهای نمونه انجام پذیرفته و عمده اطلاعات اخذ شده در سطح جامعه نمونه به صورت تکمیل پرسشنامه نهایی پس از تأیید آن در مرحله کارشناسی و نیز در مرحله پیش‌آزمون بوده است. پس از طی مرحله اول، اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و GIS، تجزیه و تحلیل شده و برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره آلفای کرونباخ با دامنه ۰ تا ۱ استفاده شده که میزان آن ۰/۷۱۴ است. شاخص‌های مورد نظر در ۴۰ روستای نمونه که ۲۰ روستا در فاصله ۵-۰ کیلومتری از پاسگاه نیروی انتظامی و دسترسی بالا و ۲۰ روستا در فاصله بالاتر از ۲۵ کیلومتری از پاسگاه نیروی انتظامی و دسترسی کم مورد ارزیابی قرار گرفته است. منطقه و محدوده مورد مطالعه این پژوهش، منطقه سیستان است. منطقه سیستان در محدوده زمانی پژوهش دارای پنج شهرستان زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون است. شکل ۲، منطقه سیستان را نشان می‌دهد.



شکل ۱- موقعیت منطقه سیستان (مآخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

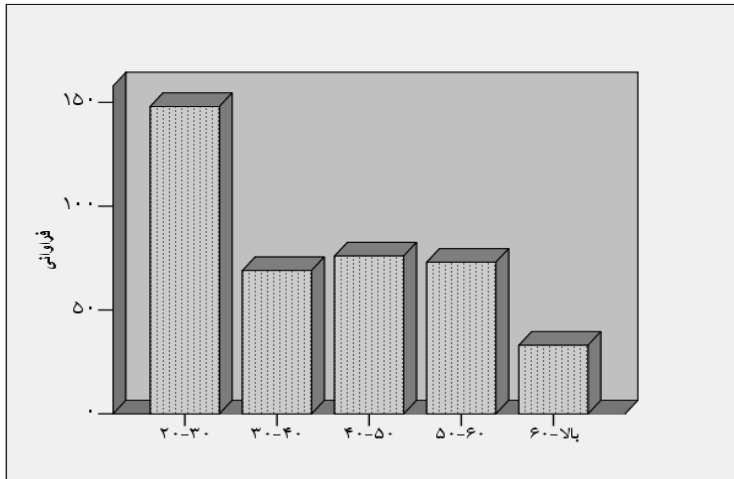
همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، ابتدا روستاها در فاصله‌های ۱۵-۲۵، ۵-۱۵ و بالاتر از ۲۵ کیلومتری طبقه‌بندی شده است. بیش‌ترین دسترسی روستاها به پاسگاه‌های نیروی انتظامی در فاصله ۵-۱۵ کیلومتری است.



شکل ۲- فواصل تقریبی روستاهای تحت نفوذ پاسگاه‌های نیروی انتظامی در منطقه سیستان
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

یافته‌های تحقیق

ترکیب سنی پاسخگویان در ۵ گروه سنی طبقه‌بندی شده است. همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، ۳۶/۲ درصد افراد مورد پرسش قرار گرفته در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، ۱۶/۹ درصد بین ۳۰-۴۰ سال، ۱۸/۶ درصد بین ۴۰-۵۰ سال، ۱۷/۸ درصد بین ۵۰-۶۰ سال و ۸/۱ درصد بالاتر از ۶۰ سال را تشکیل می‌دهند.



نمودار ۱- توزیع سنی پاسخگویان

برای دسته‌بندی عامل‌ها و شناسایی ساختار روابط بین متغیرها، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. تحلیل عاملی، مدلی است برای برخی از روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات گسترده است. در عین حال، خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه‌شده از نظر مفهوم، معنادار است (حکمت نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸). در این راستا، مقدار KMO (۰/۸۴۷) و نتایج آزمون بارتلت نشان می‌دهد که داده‌ها برای اجرای آزمون تحلیل عاملی مناسب است. جدول ۱، میزان اشتراک متغیرها یا واریانس کل با میزان اشتراک عاملی متغیرها را نشان می‌دهد. تمامی اشتراک‌های قبل از استخراج، برابر با یک هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیش‌ترین میزان اشتراک‌ها بالاتر از ۵۰ درصد است و بیانگر توانایی عامل‌های تعیین‌شده در تبیین واریانس متغیرهای مورد مطالعه است. با وجود این، در بین مقادیر اشتراک، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، مقدار اشتراک مربوط به متغیر سطح استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با ۰/۵۴۱ کم‌ترین میزان و متغیر مهاجرت روستاییان با ۰/۹۴۷ بیش‌ترین میزان است.

جدول ۱ - میزان اشتراک اولیه و بعد از استخراج عامل‌ها برای متغیرهای وارد شده در تحلیل عاملی

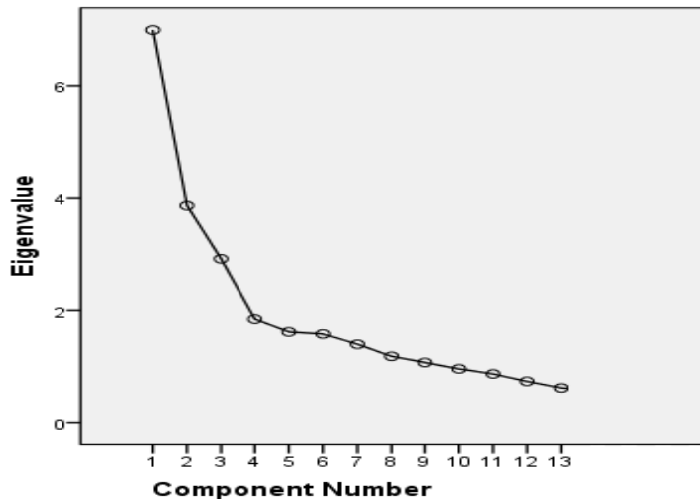
میزان اشتراک‌ها	اشتراک‌های قبل از استخراج (Initial)	متغیرها
۰/۹۴۷	۱/۰۰۰	مهاجرت روستاییان
۰/۷۹۸	۱/۰۰۰	درآمد
۰/۸۵۶	۱/۰۰۰	میزان سرمایه‌گذاری کم
۰/۵۹۲	۱/۰۰۰	بهره مند بودن از پوشش نظام‌های حمایتی
۰/۵۴۱	۱/۰۰۰	سطح استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی
۰/۶۹۶	۱/۰۰۰	عدم مشارکت
۰/۸۹۳	۱/۰۰۰	عدم رفاه
۰/۷۵۳	۱/۰۰۰	کیفیت زندگی نامناسب
۰/۹۱۲	۱/۰۰۰	امنیت پایین
۰/۸۴۲	۱/۰۰۰	گرایش به مواد مخدر
۰/۶۳۷	۱/۰۰۰	میزان سلامت خانوادگی و اجتماعی
۰/۷۹۵	۱/۰۰۰	میزان تقویت اعتقادات معنوی
۰/۷۳۸	۱/۰۰۰	میزان گذران اوقات فراغت سالم

جدول ۲ - درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف

عامل	ارزش‌های ویژه آغازین			مجموع مجذور بارهای استخراجی			مجموع مجذور بارهای چرخش یافته		
	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	مقدار کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۴/۱۶۵	۱۲/۵۰۳	۵۷/۶۲۵	۴/۱۶۵	۱۲/۵۰۳	۵۷/۶۲۵	۳/۸۵۹	۱۲/۹۴۳	۱۲/۴۹۸
۲	۳/۶۳۷	۸/۲۱۶	۶۱/۴۷۸	۳/۶۳۷	۸/۲۱۶	۶۱/۴۷۸	۳/۱۰۱	۱۱/۶۵۱	۲۷/۷۹۱
۳	۲/۵۴۹	۵/۷۳۴	۷۵/۰۷۲	۲/۵۴۹	۵/۷۳۴	۷۵/۰۷۲	۲/۷۳۶	۸/۶۴۸	۳۳/۵۴۵
۴	۱/۸۳۰	۴۲۸۳	۸۴/۶۹۱	۱/۸۳۰	۴۲۸۳	۸۴/۶۹۱	۲/۲۵۴	۷/۱۷۲	۴۷/۶۸۳
۵	۱/۷۶۴	۲/۴۹۱	۸۷/۷۳۵	۱/۷۶۴	۲/۴۹۱	۸۷/۷۳۵	۲/۰۹۷	۷/۰۱۲	۵۲/۴۳۷
۶	۰/۹۲۰	۱/۴۵۶	۸۹/۷۱۸	۰/۹۲۰	۱/۴۵۶	۸۹/۷۱۸	۲/۰۷۳	۶/۳۹۱	۶۱/۴۵۰
۷	۰/۸۲۴	۱/۰۷۳	۹۲/۳۹۸	۰/۸۲۴	۱/۰۷۳	۹۲/۳۹۸	۱/۹۱۵	۵/۴۷۲	۶۷/۴۹۷
۸	۰/۷۰۲	-/۸۵۷	۹۴/۸۱۴	۰/۷۰۲	-/۸۵۷	۹۴/۸۱۴	۱/۶۷۳	۵/۲۷۳	۷۳/۲۹۷
۹	۰/۳۱۹	-/۴۲۹	۹۷/۱۷۴	۰/۳۱۹	-/۴۲۹	۹۷/۱۷۴	۱/۲۷۹	۴/۷۳۸	۷۵/۱۵۸
۱۰	۰/۱۰۷	-/۲۵۸	۹۸/۹۱۵	۰/۱۰۷	-/۲۵۸	۹۸/۹۱۵			
۱۱	۰/۰۴۶	-/۱۷۴	۹۸/۶۴۷	۰/۰۴۶	-/۱۷۴	۹۸/۶۴۷			
۱۲	۰/۰۱۲	-/۰۲۸	۹۹/۴۴۱	۰/۰۱۲	-/۰۲۸	۹۹/۴۴۱			
۱۳	۰/۰۰۹	-/۰۱۴	۰۰۰/۱۰۰	۰/۰۰۹	-/۰۱۴	۰۰۰/۱۰۰			

جدول ۲، آماره‌های مربوط به اجزا یا عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد. سه ستون اول جدول مربوط به مقادیر ویژه ماتریس همبستگی است و عامل‌هایی را که در آنالیز باقی می‌ماند، تعیین می‌کند. بنابراین عامل‌ها از ردیف ۹ به بعد، به دلیل مقدار ویژه کمتر از یک، از آنالیز خارج شده‌اند. بلوک دوم سه ستونی، مجموع ضرایب فاکتور چرخش نشده است و در نهایت، بلوک سوم چرخش واریانس است که واریانس را میان فاکتورها یکنواخت می‌کند. بنابراین، تحلیل عاملی ۱۳ عامل مؤثر در وقوع جرائم

خشونت‌آمیز در مناطق روستایی منطقه سیستان بررسی و در ۹ عامل طبقه‌بندی شده و این تعداد، ۷۵/۱۵ درصد از واریانس را تبیین کرده است. عامل ۹ به بعد به دلیل اهمیت کم آن‌ها، از جدول ۳ حذف شده‌اند.



شکل ۳- نتایج تحلیل آزمون نمودار اسگری گراف برای تعیین تعداد عوامل مؤثر در تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز

شکل ۵ (شکل سنگریزه‌ای)، مقدار ویژه در هر یک از عامل‌های استخراج‌شده را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود از عامل نهم به بعد، مقدار ویژه با استخراج عامل‌های بعدی به سرعت آفت می‌کند.



شکل ۴- عناصر اصلی وقوع جرم در یک مکان (چانگ^۱، ۲۰۰۵، ص ۱۰؛ به نقل از پرهیز و همکاران، ۱۳۸۹)

1.Chung

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تحلیل جغرافیایی اثرات جرائم خشونت‌آمیز بر امنیت مناطق روستایی منطقه سیستان است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری در منطقه سیستان می‌تواند هم به ماندگاری منطقه و هم به افزایش امنیت و هم به توسعه پایدار منطقه کمک کند، بنابراین کمک به این منطقه کمک به کل آمایش ایران است. بحران بیکاری در سال‌های اخیر در منطقه سیستان به طور چشمگیری رشد یافته است و این امر باعث وقوع انواع جرائم به خصوص در روستاها شده که دارای پیامدهای منفی است. نتایج به دست آمده به روشنی بیانگر این موضوع است که مسئله جرائم خشونت‌آمیز و ایجاد امنیت در روستاهای منطقه مرزی سیستان از جمله موضوع‌های مهم است. در نتیجه، از دیدگاه روستاییان و با توجه به توزیع پرسشنامه، روش‌ها و الگوهای کاهش جرائم خشونت‌آمیز در روستاهایی که دارای فاصله کمی با پاسگاه نیروی انتظامی دارند، بهتر از روستاهای با فاصله زیاد هستند. در واقع، هر چه فاصله روستا از پاسگاه کم باشد، میزان امنیت بالا و امکان وقوع جرم کاهش می‌یابد. روستاهایی که در فاصله بالاتر از ۲۵ کیلومتری از پاسگاه قرار دارند، با توجه به بعد مسافت، میزان امنیت پایین و امکان وقوع جرم افزایش می‌یابد. لذا نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش احسانی (۱۳۸۷) همسو است. همانگونه که پیش‌تر ذکر شد، طبق تحقیقات احسانی (۱۳۸۷)، پلیس به عنوان بخشی از جامعه می‌تواند با هدایت شهروندان از وقوع جرم پیشگیری کند. در این راستا، نقش سیاست‌گذاران و متخصصان را در کاهش احتمال وقوع جرم از طریق ایجاد محیط‌هایی امن نمی‌توان نادیده گرفت. رویکرد پلیس جامعه‌محور، حل مسئله را از طریق همکاری تنگاتنگ با مردم، اساس پیشگیری از وقوع جرم می‌داند. طراحی محیطی براساس این نظریه استوار است که با انجام تغییرات محیطی می‌توان در بروز رفتارهای مجرمان و بزهکاران تأثیر بسزایی گذاشت. از طرف دیگر، ناامن‌سازی محیط جرم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشگیری از جرم را تشکیل می‌دهد.

از دیگر نتایج پژوهش این است که یکی از اساسی‌ترین آسیب‌های اجتماعی در مناطق روستایی، نادیده گرفتن مرجعیت نیروها و گروه‌های اجتماعی هر منطقه است. ریش‌سفیدان و معتمدان در ایجاد همدلی و انسجام در جامعه تأثیرگذار هستند. جوامع سالم و پایدار مدیون تجربه و هدایت معتمدان هر منطقه هستند. بزرگان و ریش‌سفیدان محلی در برقراری امنیت، توسعه و عمران منطقه نقش مؤثری دارند.

نکته قابل ذکر در رابطه با تفاوت بین این پژوهش و موارد مشابه آن است که در این نوشتار، استفاده از رویکرد پرسشنامه‌محور کمک کرد تا یافته‌ها به صورت دقیق و منطقی و براساس حقایق آمایش سرزمینی جرم در این منطقه قابل ارزیابی باشد، در حالی که سایر پژوهش‌ها یا اساساً به این منطقه اختصاص نداشته‌اند یا آنکه به بررسی کلیه عوامل دخیل در ایجاد جرم بحث کرده‌اند. به بیان بهتر، کمتر مطالعه‌ای تنها به ابعاد حضور اجتماعی نیروهای انتظامی برای تأمین امنیت پرداخته‌اند. در واقع، مواردی هم که به پلیس به عنوان یک عامل امنیتی اشاره کرده‌اند، به این نکته توجه نکرده‌اند که مردم نیز به واسطه حضور در شعاع پاسگاه‌های انتظامی، احساس امنیت روانی بیشتری می‌کنند؛ چراکه صرف حضور این نهاد امنیتی، سبب پیشگیری از وقوع جرم است.

در پایان، موارد زیر به عنوان پیشنهاد مؤثر در راستای اهداف تحقیق ارائه می‌شود.

- ایجاد امنیت برای افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه سیستان؛ به این معنا که اگر فاکتورهای امنیتی در منطقه افزایش یابد، در نهایت می‌توان به رشد سرمایه‌گذاری در این محیط رسید؛

- لازم است در روستاها اشتغال ایجاد شود تا از مهاجرت جلوگیری شود، چه آنکه مهاجرت روستاییان از یک منطقه موجب می‌شود تا نیاز به حضور پاسگاه‌های انتظامی کمتر شده و در نتیجه، امنیت سابق که در محیط بوده است، از بین می‌رود؛

- افزایش سواد و آگاهی خانواده‌ها؛

- برنامه‌ریزی برای کاهش مشاغل غیررسمی و قاچاق کالا؛

- افزایش توجه والدین نسبت به تربیت صحیح افراد در دوره نوجوانی و جوانی؛

- ایجاد طرح‌های هادی روستایی؛

- بالا بردن سطح رفاه روستاها.

سپاسگزاری

با تشکر فراوان از همه کسانی که با صبر و حوصله و با دقت به پرسش‌هایی مطرح شده در پرسشنامه، پاسخ داده‌اند و همچنین نیروی محترم انتظامی منطقه سیستان و بلوچستان که با همکاری و راهنمایی‌های خود کمک مؤثری در شناسایی عوامل جرم‌خیز در مناطق روستایی کردند.

منابع

منابع فارسی

- احسانی، بهمن (۱۳۸۷). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- بزی، خدارم؛ کیانی، اکبر و یعقوب زارعی (۱۳۹۱). بررسی ارتباط اسکان غیررسمی با افتراق مکانی در افزایش میزان جرم و امنیت اجتماعی شهر بوشهر. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۱۲(۴۴)، صص ۲۳۱-۲۵۷. بازیابی از: <http://yon.ir/eMOhF>
- پرهیز، فریاد؛ مشکینی، ابوالفضل؛ غلامی، علیرضا و مرادی نیا، سجاد (بهار ۱۳۸۹). بررسی جغرافیایی الگوهای فضایی بزهکاری در منطقه اسکان غیررسمی اسلام‌آباد. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. ۲(۲۵)، صص ۵۵-۸۱. بازیابی از: <http://yon.ir/shPlz>
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش (چاپ دوم).
- دهمرده، نظر (۱۳۸۵). بیکاری، دیدگاه‌ها، عوامل نهادی و حقوقی، شاخص‌ها و داده‌های فصلی. رشت: انتشارات پری‌روز.
- رجبی‌پور، محمود (۱۳۸۳). درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم. فصلنامه دانش انتظامی. ۶(۲)، صص ۳۰-۱۶.
- سالاری سردری، فضلعلی و کیانی، اکبر (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اقلیم در پایداری محیط فیزیکی - کالبدی شهر زابل. همایش جغرافیا و توسعه پایدار شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان.
- سهرابی، علی و شیرزادی گیلانی، هایده (بهار ۱۳۸۶). نتایج مطالعات مدیریت پسماند منطقه سیستان (شهری و روستایی). مجله مدیریت پسماندها. ۸(۸)، صص ۲۹۲-۳۰۲. بازیابی از: <http://yon.ir/HwauP>
- فلسون، مارکوس و کلارک، رونالدوی (۲۰۰۹). فرصت و بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری (محسن کلانتری و سمیه قزلباش، مترجمان). زنجان: نشر دانش (چاپ اول).
- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۷۹). عوامل اجتماعی و جرم. تهران: انتشارات ادیان و عرفان.
- محسنی تبریزی، علیرضا و کریمی، حمید (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر

جرایم خشونت‌آمیز جوانان ذکور ۱۸ تا ۲۵ ساله همدانی. فصلنامه مطالعات مدیریت

انتظامی. (۲)۲، صص ۲۴۸-۲۶۳. بازیابی از: <http://yon.ir/aWBvq>

- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴). چنگدگانی امنیت؛ امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی.

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. (۱ و ۳)، صص ۳۵-۵۸. بازیابی از:

<http://yon.ir/MDsIV>

منابع انگلیسی

- Chung, chi pun and Edward (2005). Use of GIS in campus crime analysis: A case study of the university of Hong Kong. For the degree of master of geographic information systems at the university of Hong Kong. Retrieved from: <http://hub.hku.hk/handle/10722/40958>

- Sherman, L. W., Gartin, P. R. and Buerger, M. E. (1989). Hot Spots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place. *Criminology*. 27(1), 27-55. Retrieved from: [DOI:10.1111/j.1745-9125.1989.tb00862.x](https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1989.tb00862.x)

- Taylor, R. B. and Hale, M. (1986). Criminology: Testing alternative models of fear of crime, *The Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol., 77, pp. 151-189. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.2307/1143593>

- Wilson, James, Q., Killing, G. (1982). Broken Windows: The police and Neighborhood Safety, *Atlantic Monthly*, vol. 29. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0022427815583911>